

چالش‌های فراروی تربیت دین در عصر جهانی شدن

عقلانیت در تربیت دین

اشاره

جهانی شدن با تمام ابعاد آن، از جمله فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، به سرعت در حال به وقوع پیوستن است و اصطلاحات پرکاربرد «دهکده جهانی»^۱ و «اقتصاد جهانی»^۲ و «شهروندی جهانی»^۳ حکایت از همین موضوع دارد.

در این عصر فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطاتی مخاطبان را با هجمه اطلاعاتی مواجه کرده‌اند و چه بسا این اطلاعات و ارتباطات نه تنها رنگ و بوی دینی ندارد، بلکه مغایر با دین نیز باشد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد، نادیده گرفتن مسئله جهانی شدن به شدت نظام تربیت دینی ما را با مشکل مواجه می‌کند. چرا که ما با شواهد متعددی مبنی بر این موضوع، یعنی همه‌گیر شدن جهانی شدن مواجه هستیم. اما دست و پنجه نرم کردن با این مسئله و ارائه راهکارهایی برای مقابله با مضرات آن در زمینه تربیت دینی می‌تواند کارساز باشد. این مقاله ضمن بررسی مسئله جهانی شدن، به‌ویژه در بعد فرهنگی، دلالت‌های آن را برای نظام تعلیم و تربیت بررسی کرده و در پایان شیوه‌های تربیت دینی را در عصر جهانی شدن بیان داشته است. پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای و مروری بر تحقیقات پیشین استفاده شده و روش پژوهش نیز توصیفی بوده است.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، جهانی شدن، بومی ماندن

مقدمه

دین پدیده‌ای هماهنگ و هم‌ساز با فطرت انسانی و یکی از علائق کهن بشری است که همیشه به‌عنوان یک نیاز ضروری و اساسی در میان انسان‌ها خودنمایی کرده است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۰). در واقع اگر چه نقش و جایگاه دین در طول تاریخ و بین جوامع مختلف یکسان نبوده است، اما چنان هم نیست که در جامعه‌ای یا در عصری از زندگی بشری هیچ نشانی از دین نباشد. پژوهش‌های تاریخی دیرینه‌شناسان و مردم‌شناسان پرده از این واقعیت برمی‌دارد که حتی در میان انسان‌های نخستین و هزاران سال پیش از ظهور اولین تمدن‌ها، باورهای عمیق دینی و متافیزیکی، همچون اعتقاد به وجود ارواح متعالی و زندگانی پس از مرگ وجود داشته است (سعیدی‌مهر و دیوانی، ۱۳۸۱). از طرف دیگر، با وجود تلاش برای حذف دین از زندگی در یکی دو قرن اخیر، گرایش به ساخت ادیان



میمنت عابدینی بلترک
دکترای برنامه‌ریزی درسی
و مدرس دانشگاه



سمیه یونسی خانقاهی
آموزگار شهرستان بابل

دین پدیده‌ای
هم‌ساز با فطرت
انسانی و یکی
از علائق کهن
بشری است که
همیشه به‌عنوان
یک نیاز ضروری
و اساسی در
میان انسان‌ها
خودنمایی کرده
است

از دگرگونی‌ها که عرصه‌های گوناگون، فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشورهای جهان را در بر گرفته و روابط متنوع و متقابلی میان واحدهای مستقل ملی برقرار ساخته است (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۶).

بسیاری از متخصصان و کارشناسان ارتباطات بر این باورند که جهانی شدن فرهنگ از جمله پیامدهای انقلاب ارتباطی است که در دو دهه اخیر رخ داده است. بر این اساس، فرهنگ‌ها با نظام فناورانه جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادی می‌شوند. این پدیده همچنین فضای سیاسی، اجتماعی و از همه مهم‌تر فرهنگی ملت‌ها، هویت‌ها و قومیت‌ها را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (نادرپور، ۱۳۸۲). در توضیح جهانی شدن فرهنگی باید گفت: «این پدیده بدان معنی نیست که گرایش روزافزونی به سوی یک فرهنگ جهانی یکپارچه وجود دارد؛ یعنی عقیده‌ای که با تز همگون شدن فرهنگی از طریق غربی شدن که امروزه تعدادی از کشورها به آن مبتلا هستند، مرتبط است. استدلال جهانی شدن فرهنگی از اساس این است که امروزه به واسطه وجود رسانه‌های ارتباط جمعی، جریان مهاجرت انسان‌ها و گردشگری، و ظهور «فرهنگ‌های سوم»، به هم‌پیوستگی فرهنگی فزاینده‌ای در سراسر جهان به وجود آمده است (آکوچکیان، ۱۳۸۲).

طبق گفته گیدنز (۱۳۷۷)، جهانی شدن پدیده‌ای چندبعدی است. از این‌رو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و آموزش و پرورش را در برمی‌گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین می‌روند و یا کم‌رنگ می‌شوند. کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم می‌شود. از نظر وی، جنبه کاملاً بنیادین جهانی شدن که پشت هر یک از بعدها گوناگون نهادی قرار دارد. «جهانی شدن فرهنگی» است. جهانی شدن فرهنگی عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه‌های جهانی. این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه فرهنگ‌های کوچک و خاص را به چالش می‌طلبد. فرایند جهانی شدن در عین حال که اقتصاد جهانی و جامعه‌ای فراملی پدید می‌آورد، فرهنگی جهانی را نیز شکل می‌دهد (گل‌محمدی، ۱۳۸۱). یکی از مؤثرترین بخش‌های فرهنگی نظام آموزشی است. نظام آموزشی متولی انتقال فرهنگ و جامعه‌پذیری است.

انسانی، جنبش‌های تندرو دینی، تأسیس مراکز پژوهش دینی در جهان (شمشیری و همکاران، ۱۳۸۷) نشان از وجود و اهمیت دین در مسائل اجتماعی دارد.

اما اکنون ما در دوره‌ای واقع هستیم که دین و تربیت دینی در چالشی جدی قرار گرفته است. جهانی شدن و وجود فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی عامل این چالش هستند. بنابراین سؤال اصلی این است که در مواجهه شدن با جهانی شدن چه اقدامی باید کرد؟

به نظر می‌رسد در مواجهه با جهانی شدن، ما دست‌اندرکاران تربیت دینی سه راه پیش رو داریم: یکی اینکه خود را از وضعیت منفعل به رودخانه خروشان جهانی شدن بسپاریم. دوم آنکه خود را از جهان و مناسبات جهانی جدا کنیم و انتخاب سوم آن است که هم به صورتی فعال در مناسبات جهانی قرار بگیریم و هم با حفظ تمامیت و استقلال کشور و ویژگی‌های دینی و ملی خود، راه عزت و اقتدار را در جهان معاصر طی کنیم و نقش مثبت و مؤثر خود را نیز در مناسبات جهانی ایفا نماییم. به نظر نویسندگان مقاله حاضر، بهترین گزینه برای روردرویی تربیت دینی با عصر جهانی شدن گزینه سوم است که پس از بررسی برخی مفاهیم مربوط به جهانی شدن و ارتباطات آن با تعلیم و تربیت، به روش‌هایی تبیین کننده، به گزینه سوم، یعنی ورود به جهانی شدن با نقشی فعال و مؤثر، می‌پردازیم.

جهانی شدن و فرهنگ

جهانی شدن عبارت است از فرایند فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم‌وبیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحدی ادغام می‌شوند: «به بیان دیگر، جهانی شدن معطوف به فرایندی است که در جریان آن فرد و جامعه در گستره‌ای جهانی با یکدیگر پیوند می‌خورند (جوان شهرکی، ۱۳۸۷). مفهومی است که از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد متداول شد و در دهه ۱۹۹۰ ظهور و بروز عینی تری یافت. امروز نیز به فرایندی فراگیر تبدیل شده است که همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (قریب، ۱۳۸۰). جهانی شدن مجموعه‌ای از دگرگونی‌هاست که نه تنها عرصه‌های سیاست و اقتصاد، بلکه علم، فرهنگ و شیوه زندگی را نیز دگرگون می‌سازد. زنجیره‌ای

در دوره‌هایی از
رشد به‌ویژه در
سنین پایین رشد
که کودک هنوز
به رشد عقلانی
نرسیده است،
برخی از روش‌های
غیر عقلی مبتنی بر
القا، تلقین، تحمیل
یا تکرار در تربیت
دینی مجاز شمرده
می‌شود

پیامدهای جهانی شدن برای تعلیم و تربیت با تأکید بر تربیت دینی

جهانی شدن بارزترین خصیصه تعلیم و تربیت در دوره کنونی است که در حال تجربه شدن است. هر یک از ابعاد جهانی شدن می‌توانند از جهانی نظام‌های تعلیم و تربیت را متأثر سازند. چالش اصلی نظام‌های تعلیم و تربیت در عصر جهانی شدن تربیت انسان‌هایی است که در عین آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون جهانی و کسب توانایی‌های زندگی در دنیای در حال تغییر، به هویت فرهنگی و ملی خود وفادار بمانند و برای شناخت، ارزیابی، توسعه و تکامل، و معرفی و اشاعه آن تلاش کنند (رهنما و محمدی چابکی، ۱۳۸۷). در واقع مهم‌ترین پیامدهای چالش برانگیز شدن جهانی شدن تعلیم و تربیت با روند فعلی را به‌طور خلاصه می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

ع ساختارهای مفهومی متقابل دور و نزدیک و ممنوع و مجاز در تعلیم و تربیت به تدریج ساخت‌زدایی می‌شوند و معنای خود را از دست می‌دهند. به عبارت دیگر، فاصله‌های مکانی دیگر مانعی برای دسترسی نیستند. مرزهای ممنوع و مجاز در نور دیده می‌شوند و بسیاری از امور که روزی ممنوع محسوب می‌شدند، به‌طور اجتناب‌ناپذیری مجاز می‌شوند (باقری، ۱۳۸۴).
ع تعلیم و تربیت به مکانی به نام مدرسه محدود نخواهد بود و رسانه‌های پیشرفته و فناوری‌های جدید، مانند اینترنت، ماهواره و رایانه رقیب سرسخت مدارس خواهند بود.

ع بی‌توجهی به مقتضیات دینی، علمی، ایدئولوژیک و اخلاقی نظام‌های آموزشی جوامع محلی از جمله پیامدهای دیگر روند جهانی شدن است. ضمن این بی‌توجهی، در بسیاری از موارد ارزش‌های فرهنگی سنتی دینی و بومی نابود می‌شوند.

ع هویت ملی و محلی نظام‌های آموزشی کشورها از جمله ساختارها، اهداف و محتوای آن‌ها تضعیف خواهد شد. در نتیجه وفاداری به دستاوردهای فرهنگی ملی و موازین اخلاقی محلی سست‌تر خواهد شد و مرکزیت تصمیم‌گیری‌های تربیتی و آموزشی به حالت جهانی و فراملی در خواهد آمد.

ع در مسیر جهانی شدن، به‌خاطر وجود فناوری‌های جدید آموزشی و فناوری انتقال اطلاعات، شاهد کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت خواهیم بود (نساج، ۱۳۸۸-۱۳۸۷).

ع سرگرمی‌های سطحی، از قبیل موسیقی و... به‌صورت افراطی به جای فرهنگ تأمل و تفکر رواج می‌یابد (موحدی محصل طوسی و کرامتی، ۱۳۸۷: ۹۹۷).

شیوه‌های تربیت دینی در عصر جهانی شدن

شاید در دهه‌های گذشته، تربیت دینی با چالش‌هایی که هم‌اکنون با آن مواجه است، مواجه نبود. تربیت دینی هم‌اکنون با همه‌ای از اطلاعات از طریق شبکه جهانی اطلاعات (اینترنت) ماهواره که از مؤلفه‌های جهانی شدن محسوب می‌شود، مواجه است؛ شرایطی که اگر مسئولان تربیت دینی برای آن چاره‌ای جست‌وجو نکنند، به راحتی تربیت دینی را با مشکلات جدی مواجه می‌کند. ما در قسمت قبل نیز به این نکته اشاره کردیم که نظام تربیتی ما نمی‌تواند یکسره از پدیده جهانی شدن دور بماند و انزواگزینی را انتخاب کند. باید با روش‌های صحیح موشکافانه، خلاقانه و جدید با این پدیده مواجهه شود و به‌صورت مؤثری ایفای نقش کند که در ادامه برخی موارد آن را برشمرده‌ایم.

نوآوری و خلاقیت در تربیت دینی

در تربیت دینی نوآوری و تازگی در روش‌ها و محتوا اهمیت ویژه‌ای دارد. سرعت پیشرفت در علوم و فناوری تحرک و تنوع نیازهای انسان‌ها و عدم ثبات ناشی از آن، از جمله مسائلی هستند که در شکل گرفتن احساس تغییر و نوآوری در روش‌های تربیتی مؤثرند. بنابراین تربیت دینی باید برای جواب‌گویی به انتظارات تازه مخاطبان خود در حیطه نظر و عمل به نوآوری روی آورد. منظور از نوآوری تغییر در روش‌هاست، به گونه‌ای که سبب بهبود و کیفیت‌دهی به امور شود و شیوه انجام کارها را نسبت به آنچه از قبل بوده است، بهتر کند. تربیت دینی مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌های ابلاغ محتوا به فراگیرندگان است. آموزه‌های تربیتی اسلام به شکل کامل و ثابت برای همه زمان‌ها در دسترس مریبان تربیتی قرار دارد. آنچه در تربیت دینی اهمیت دارد، چگونگی انتقال این آموزه‌ها به فراگیرندگان است بنابراین منظور از نوآوری در تربیت دینی برگزیدن ایده‌ها و راه‌های جدید در شیوه‌های تربیتی است، به گونه‌ای که بتواند جذابیت روش‌های تربیتی را با توجه به

ضرورت‌های زمان افزایش دهد (تقوی‌نساب و همکاران، ۱۳۸۸). در این صورت تربیت دینی با پویایی ظاهر می‌شود و توانایی مواجهه با پدیده جهانی شدن امکان‌پذیر می‌گردد.

تأکید بر بعد عقلانیت در تربیت دینی

گرچه در دوره‌هایی از رشد به‌ویژه در سنین پایین رشد که کودک هنوز به رشد عقلانی نرسیده است، برخی از روش‌های مبتنی بر القا، تلقین، تحمیل یا تکرار در تربیت دینی مجاز شمرده می‌شود، با این حال تأکید اصلی تربیت دینی، به‌ویژه در عصر جهانی شدن که رسانه‌های اطلاعاتی چون اینترنت، ماهواره و... با حمله اطلاعاتی جهان و یادگیرنده را در بر گرفته است، بر بعد عقلانیت است و اصلی‌ترین راهبرد محسوب می‌شود. در واقع در حوزه تربیت دینی، به‌کارگیری روش تلقین به عنوان روش مناسب با اهداف شناختی عاطفی و اجتماعی آن تعارض دارد. برای مثال، در شریعت اسلام باور کردن اصول دین تنها با بهره‌گیری از شیوه استدلالی و تحقیقی، و نه تحمیلی مورد پذیرش است. پذیرش مفاهیم و اندیشه‌ها به‌صورت تلقینی و غیراستدلالی در نظام تعلیم و تربیت دینی همواره مورد مذمت قرار گرفته است. لازمه تربیت دینی آن است که منطق و ماهیت تغییرات مورد نظر برای فراگیرندگان روشن شود. تربیت دینی «چرا بردار» است و این چرایی نه به‌صورت انفعالی، بلکه باید به شکل فعال انجام شود (باقری، ۱۳۷۹). تربیت دینی در یک معنا فراهم کردن فرصت‌های طبیعی و درون‌یاب است تا افراد با تجربه شخصی و الهام از فطرت خویش، بارقه تعالی بخش دین را کشف کنند. تربیت دینی با تجربه دینی ارتباطی جدایی‌ناپذیر دارد. برای رسیدن به این منظور نمی‌توان از طریق تلقین، عادت، اکتساب، تحمیل و تحمل موفق شد (کریمی، ۱۳۸۰).

بنابراین ارائه آموزش‌های دینی با ابزار عقل و خردورزی و دوری از عادت و تحمیل یکی از مؤلفه‌های اصلی روش تربیت دینی در عصر جهانی شدن است. چرا که از ویژگی‌های تربیت دینی تحمیلی و عاداتی، آنی و زودگذر بودن است و به راحتی دستخوش تغییر خواهد شد. اما اگر آموزش‌های مذهبی با خردورزی استدلال و تعقل باشد، در آن صورت دین به‌عنوان فرایندی درونی همراه با تعقل در کل زندگی با فرد همراه خواهد بود و رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی که از اصلی‌ترین ویژگی‌های جهانی شدن هستند،

به راحتی نمی‌توانند نظام ارزشی و اخلاقی یادگیرنده به‌طور کلی و تربیت دینی به‌صورت دقیق‌تر کلمه را خدشه‌دار سازند. یادگیرنده به راحتی با ابزار خردورزی می‌تواند در میان انبوه یا حمله اطلاعاتی در عصر جهانی مسیر ارزشی خود را انتخاب کند.

حضور متربی هوشیار در فضای جهانی شده، به جای انزواگرینی متربی

به‌نظر می‌رسد، منطقی و معقول آن است که به جای کناره‌گیری وارد میدان شویم. اما نه با این باور که ورود به منزله پذیرش و تسلیم در برابر فرهنگ جهانی شده فعلی است، بلکه با این باور که باید با این ورود ادبیات دیگری را برای پدیده مورد نظر رقم زد. در این راستا، ملل اسلامی باید خصوصاً برای مواجهه با پدیده جهانی شدن تعلیم و تربیت دست به ابتکار عمل بزنند (موحدی محصل طوسی و کرامتی، ۱۳۸۷). در جهان کنونی چنان وضعی نیست که کشوری بتواند بدون ارتباط فعال و سنجیده با دیگران به حیات رو به رشد خود ادامه دهد. مسئله این نیست که خود را از جهان و مناسبات جهانی به دور نگه داریم یا از مواهبی که علوم، صنایع، فرهنگ، بهداشت و آموزش‌های مدرن در اختیار بشریت قرار داده‌اند، خود را محروم سازیم. مسئله اساسی این است که در کشاکش جهانی شدن و فشارهای بین‌المللی ناشی از آن به سویی کشیده نشویم که ارزش‌ها و فرهنگ و هویت معنوی و تاریخی خود را از دست بدهیم. در جهان بودن و با جهان رابطه داشتن متفاوت از سر سپردن به الزاماتی است که قدرت‌های مسلط اقتصادی، صنعتی و نظامی جهان در پی آن هستند. در موضوع روابط با کشورهای دیگر جهان، مثل سایر مناسبات انسانی، اصل این است که به‌عنوان یک طرف صاحب اختیار و دارای حقوق برابر وارد دادوستد شویم و بتوانیم مانند طرف مقابل از منافع، مصالح و هویت خود دفاع کنیم (لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۲). بسیاری از آثاری که در کشور ما در زمینه جهانی شدن به فارسی نوشته یا از زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند نیز غالباً نگرش کمابیش مشابهی را به موضوع جهانی شدن ارائه می‌کنند (مرقانی، ۱۳۸۳؛ نقیب‌السادات، ۱۳۸۲؛ رفیعی، ۱۳۸۱).

بنابراین نویسندگان این نوشتار پیشنهاد می‌کنند که متربی به‌طور کلی و فراگیر به‌طور خاص هرگز نباید از دسترسی به وسایل ارتباطی

ارائه آموزش‌های دینی با ابزار عقل و خردورزی و دوری از عادت و تحمیل یکی از مؤلفه‌های اصلی روش تربیت دینی در عصر جهانی شدن است

از مدرسه، و در هم شکستن مرزهای یادگیری و روی آوردن به یادگیری بدون مرز در تربیت دینی (مرزوقی، ۱۳۸۴). بنابراین مشارکت و درگیرسازی دانش‌آموز در یادگیری امور دینی در عصر جهانی شدن از الزامات دیگر نظام آموزشی است.

هم‌یاری و هم‌سویی رسانه‌ها و تمامی عناصر مؤثر بر یادگیری در پرورش تربیتی در عصر جهانی شدن

واقعیت این است که در عصر حاضر، آن‌طور که تحقیقات (کارنوی و راتن، ۲۰۰۲؛ دان، ۲۰۰۲؛ و سویتینگ، ۱۹۹۶) نشان می‌دهد، بسیاری از کتاب‌ها و ابزارهای آموزشی و کمک‌آموزشی در مدارس جهان، کتابخانه‌ها، رسانه‌های گروهی، و صدها میلیون سایت اینترنتی، در حال اشاعه دیدگاه‌های فراملی در میان کودکان، نوجوانان و جوانان و سایر مردم جهان هستند. دانش‌آموزان ما نیز به شدت در معرض این دیدگاه‌ها قرار دارند و در فرایند جهانی شدن وارد شده و می‌شوند. در چنین شرایطی، ما باید در مورد نگرش نوجوانان و جوانانمان به پدیده جهانی شدن و تأثیر این نگرش در نظام ارزشی و هویت آنان حساسیت کافی نشان

دهیم و آموزش و پرورش و سایر نهادهای فرهنگی کشور خود را برای پاسخ‌گویی مناسب به این چالش عظیم آماده سازیم. بدون تردید، بررسی

اطلاعاتی که ویژگی خاص جهانی شدن است، به‌طور مطلق دور نگه داشته شود، این کار نه ممکن است نه مطلوب. بلکه باید با نظرات والدین و معلمان و بیان فواید و مضرات مؤلفه‌های جهانی شدن این قضیه را روشن کنند. در واقع اگر ما یادگیرنده را انزوا نشین کنیم و با محدود کردن وی به مکان‌های خاص، مراکز خاص و اطلاعات خاص، بتوانیم به او در یک دوره زمانی معین جهت‌دهی کنیم، در بزرگسالی به دلیل وجود این وسایل در محیط می‌تواند همه محدودیت‌ها را کنار بزند و تربیت دینی ما که مبتنی بر منزوی کردن دانش‌آموز بوده است، به کلی بیهوده شود. به نظر می‌رسد که در این میان راه سوم راه میانه‌روی است. در واقع: «خیر الامور اوسطها»: بهترین راه میانه‌روی است. بدون افراط و تفریط تربیتی را باید وارد دنیای جهانی شده ساخت و چاله چوله‌های جهانی شدن را به وی نشان داد. نقش وی را در تأثیر بر این فرایند به وی گوشزد کرد و وی را تا حد توان با ابزار عقل پیش برد.

نقش فعال‌تر مربی و درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند تربیت دینی

تحقیقات گوناگون (آویرام، ۲۰۰۰؛ بون ویل و آی سون، ۱۹۹۱؛ دنجل، ۲۰۰۴؛ ادوارد و دنیل، ۲۰۰۰؛ هرینگتون و الیور، ۲۰۰۰؛ ادوارد و همکاران، ۲۰۰۷) از نقش یادگیری فعال و تأثیر مشارکت دانش‌آموز در یادگیری بهتر وی حکایت دارند. تحقیقات نشان می‌دهند، اگر دانش‌آموز را در یادگیری درگیر کنیم، یادگیری وی به شدت متحول می‌شود و این یادگیری به‌صورت طولانی‌تری در تجربه‌های بعدی وی و زندگی‌اش ادامه خواهد داشت. تربیت دینی نیز از این امر مستثنا نیست. تربیت دینی و آموزش‌های اسلامی باید با درگیری و مشارکت دانش‌آموزان همراه باشد تا در تجربه‌های بعدی دانش‌آموزان اثر داشته باشد. در این شرایط، تغییر در نگاه به روش‌های یادگیری ضرورت می‌یابد. دانش‌آموز می‌باید برای ایفای نقش در جامعه دانش‌محور آماده شود. آموزش و پرورش می‌باید نسبت به مسئولیت‌های خود در قبال دانش‌آموزان - که **کوهلثورا** (۲۰۰۱) عمدتاً آن را آماده‌سازی آنان برای محل کار، شهروندی و زندگی روزمره می‌داند - به‌طور جدی‌تری بازنگری کند. این امر مستلزم عبور از راهبردهای سنتی و به‌کارگیری راهبردهای نوین است؛ راهبردهایی نظیر بهره‌گیری از منابع وسیع و غنی خارج

بسیاری از کتاب‌ها و ابزارهای آموزشی و کمک‌آموزشی در مدارس جهان، کتابخانه‌ها، رسانه‌های گروهی، و صدها میلیون سایت اینترنتی، در حال اشاعه دیدگاه‌های فراملی در میان کودکان و جوانان و سایر مردم جهان هستند



دقیق و شناخت علمی چنین پدیده خروشان که با ارزش‌های فرهنگی و سرنوشت و هویت ملی و با حیات روزمرهٔ تعلیم و تربیت و حتی با زندگی خانوادگی ما عمیقاً مرتبط شده، ضرورتی انکارناپذیر است (لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۲). اگر بی‌توجهی به این پدیده و پذیرش بی‌چون و چرای آن تا این حد مخاطره‌انگیز است، چرا تمام نهادهای فرهنگی ما با همکاری نظام آموزشی و به‌صورت هماهنگ در ترویج فرهنگ غنی ملی و اسلامی نکوشند و ضمن پذیرش پدیدهٔ جهانی شدن، با نگاهی موشکافانه به بررسی آن نپردازند؟

نتیجه‌گیری

نظام تربیتی کشور ما چه بخواهد چه نخواهد با پدیدهٔ جهانی شدن روبه‌رو شده و جهانی شدن با مؤلفه‌هایش وارد زندگی ما شده است. بنابراین فرار از آن نه مقدور است نه مطلوب و تنها یک راه می‌ماند: چاره‌اندیشی اساسی برای نظام تربیتی به این منظور که با اقبال باز سراغ این پدیده برود و بتواند بر این پدیده تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، هیچ کشوری از جهانی شدن به معنای توسعهٔ امکانات و فناوری، تجارت مثبت و توسعهٔ اطلاع‌رسانی در سطح جهان بی‌نم‌دارد. لیکن ایدئولوژی ما، جهانی‌سازی، جهان‌گستری و یکنواخت‌سازی به سود فرهنگ غیراسلامی را بر نمی‌تابد. با توجه به ابعاد

جهانی شدن، کشورهای اسلامی برای مواجهه با آن از بعد فرهنگی و تربیتی باید دست به ابتکار عمل بزنند.

نویسندگان مقاله حاضر معتقدند، نظام تربیت دینی دیگر باید از روح خشک و غیرمنعطف خود بیرون بیاید و روش‌های فعال و خلاقانه را پیش بگیرد و با اقبال مثبت به سمت جهانی شدن برود. ما این روش‌ها را در پنج بند با عناوین نوآوری و خلاقیت در تربیت دینی، تأکید بر بعد عقلائی در تربیت دینی، حضور متربی هوشیار در فضای جهانی شده، به جای انزواطلبی متربی، نقش فعال تر مربی و درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند تربیت دینی، هم‌باری و هم‌سویی رسانه‌ها و تمامی عناصر مؤثر بر یادگیری در پرورش متربی در عصر جهانی شدن، تشریح کردیم.

پی‌نوشت‌ها

1. global village
2. global economic
3. global citizenship

منابع

۱. آکوچکیان، عبدالحمید (۱۳۸۲). جهانی شدن و دین، فرصت‌ها و چالش‌ها. مقالات چهارمین کنگرهٔ دین‌پژوهان. دفتر اول. انتشارات دبیرخانه دین‌پژوهان کشور. قم.
۲. باقری، خسرو (۱۳۷۹). تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست‌ویکم: تربیت اسلامی. انتشارات مرکز مطالعات تربیت اسلامی. تهران.
۳. _____ (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلام (ج ۲). انتشارات مدرسه. تهران.
۴. تقوی‌نسب، سیده نجمه؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم؛ نجفی، محمد (۱۳۸۸). «ضرورت نوآوری در روش‌های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی». دو فصل‌نامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی. سال ۴. شماره ۹.
۵. جوان شهری، مریم (۱۳۸۷). مجله راهبرد. شماره ۴۷.
۶. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۸). «کلیاتی دربارهٔ فلسفه دین». کلام اسلامی. ش ۳۰.
۷. رفیعی فنود، محمدحسین (۱۳۸۱). آن سوی جهانی‌سازی. انتشارات شایک. تهران.
۸. رهنما، اکبر؛ محمدی چاپکی، رضا (۱۳۷۸). «تحقیق قوم‌نگاری؛ ضرورتی برای بومی‌ماندن برنامهٔ درسی در عصر جهانی شدن». هشتمین انجمن مطالعات برنامهٔ درسی ایران با عنوان: جهانی شدن و بومی‌ماندن برنامهٔ درسی: فرصت‌ها و چالش‌ها. بابلسر.
۹. زهره کاشانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). «اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات». اسلام و پژوهش‌های تربیتی. شماره دوم. سال اول.
۱۰. سعیدی مهر، محمد و دیوانی، امیر (۱۳۸۱). معارف اسلامی. ۱. دفتر نشر معارف. قم.
۱۱. سعیدی رضوانی، محمود و بینقی، تقی (۱۳۸۰). «تأملی در باب تناسب نظام آموزش‌وپرورش رسمی با تربیت دینی». تربیت اسلامی. شماره ۶.
۱۲. شمشیری، بابک؛ جعفرنژاد، رویا؛ و جهرمی توادانی، لیلا (۱۳۸۷). «نقش تربیت دینی در تحقق صلح جهانی». هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامهٔ درسی ایران. بابلسر.
۱۳. قریب، حسین (۱۳۸۰). «جهانی شدن و چالش‌های

امنیتی جمهوری اسلامی ایران». ماهنامهٔ اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال پانزدهم. شماره ۱۱ و ۱۲.

۱۴. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۰). دین‌دهی یا دین‌یابی؛ تربیت اسلامی. انتشارات مرکز مطالعات تربیت اسلامی. تهران.

۱۵. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ و هویت. نشر نی. تهران.

۱۶. گلزاری، محمد (۱۳۸۴). «سبب‌شناسی تربیت دینی جوانان». روزنامهٔ کیهان.

۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته. ترجمهٔ محسن ثلاثی. نشر مرکز. تهران.

۱۸. لطف‌آبادی، حسین و نوروزی، وحیده (۱۳۸۲). «نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی به منظور بررسی تأثیر جهانی شدن بر نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران». فصل‌نامهٔ نوآوری‌های آموزشی. شماره ۷. سال سوم.

۱۹. مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۴). «جهانی شدن و رسالت برنامه‌ریزی درسی». در مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. وزارت امور خارجه. تهران.

۲۰. مرقانی، طه (۱۳۸۳). «جهان‌شمولی اسلامی و جهانی‌سازی». مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. تهران.

۲۱. موحدی محصل طوسی، مرضیه و کرامتی، معصومه (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت ملی (اسلامی) «در پروسهٔ جهانی شدن و پروژهٔ جهانی‌سازی: نگاهی دیگر». هشتمین همایش سلامت انجمن مطالعات برنامهٔ درسی. بابلسر.

۲۲. مهر علیزاده، بدالده (۱۳۸۶). جهانی شدن و نظام‌های آموزشی با تأکید بر کشور ایران: انتشارات رسش. اهواز.

۲۳. نساج، حمید (۱۳۸۷-۱۳۸۸). «جهانی شدن و هویت اقوام ایران با تأکید بر مؤلفه‌های زبان و آداب و رسوم».

دو فصل‌نامه تخصصی پژوهش سیاست نظری، شماره ۵.

۲۴. نقی‌السادات، رضا (۱۳۸۲). جهانی‌سازی: انتشارات شایک. تهران.

25. Carnoy, M. & Rhoten, D. (2002). What do globalization mean for educational change? A comparative approach. *Comparative Education Review*, 46, 1.

26. Daun, H. (2002). Globalization and national education system: In 'Educational restructuring in the context of globalization and national policy'. New York: Routledge Falmer.

27. Sweeting, A. (1996). *The globalization of learning: Paradigm or paradox?* *International Journal of Educational Development*. Vol. 16, 4.

28. Herrington, J. & Oliver, R. (2000). An Instructional Design Framework for Authentic learning Environments, *Educational Technology Research and Development*, Vol 48, No 3, Pp. 23-48.

29. Edward, J. F., Daniel, C. L and Ford, E. J (2007). A Constructivist Learning Approach to Unemployment. *Review of Radical Political Economics*. Vol 39, Pp 329-334.

Edward, J. F & Daniel, C. L (2000). A Constructivist Approach to College Level Economic Education, *Review of Radical Political Economics*. Vol 32, Pp 482-494.

30. Dangel, R. J (2004). An Emerging Picture of Constructivist Teacher Education, *the Constructivist*, Vol 15, No. 1.

31. Bonwell, C. C and Eison, J. A (1991). Active learning: Creating Excitement in the Classroom, Washington, DC: George Washington University.

32. Aviram, M (2000). *Beyond Constructivism: Autonomy - Oriented Education*, *Studies in Philosophy and Education*, Vol 19, Pp 465-489.

